

چرا جمهوری اسلامی می‌تواند هم چنان جنایت کند؟

در سی امین سالگرد کشتن انسانیت در تابستان ۶۷ و انکار حقیقت،

طرح پرسش‌ها و مطالباتی با مردم شریف و آزاده ایران،

چرا جمهوری اسلامی می‌تواند هم چنان جنایت کند؟



سی سال از کشتار هزاران زندانی سیاسی در تابستان ۱۳۶۷ گذشت و هنوز نه تنها خانواده‌ها،

بلکه جامعه‌ی دادخواه هم نمی‌داند که در آن تابستان شوم چه گذشته است؟

در اواخر تیرماه سال ۶۷، درب زندان‌ها را بستند و ملاقات‌ها ممنوع شد. نه خانواده‌ها می‌دانستند که

درون زندان‌ها چه می‌گذرد و نه زندانیان سیاسی.

خانواده‌ها هر دری را زدند تا بتوانند خبری از عزیزان‌شان بگیرند، ولی با درهای بسته روبرو شدند و

در بی‌خبری مطلق آن‌ها را نگاه داشتند. درون زندان‌ها نیز همین وضع بود، به زندانیان گفته بودند که

هیاتی برای عفو زندانیان آمده است.

از مرداد تا شهریور ۶۷، در کمتر از دو ماه، با یک یا شاید دو فرمان روح‌الله خمینی، حدود ۴ هزار

زندانی سیاسی مجاهد و کمونیست را در تهران و شهرستان‌ها اعدام کردند.

پس از چندین ماه بی‌خبری که هر روز آن برای خانواده‌ها و زندانیان سیاسی جان‌کننده بود، در آبان و آذر ماه به خانواده‌ها زنگ زدند که در لوناپارک و کمیته‌های مختلف تهران و زندان‌های شهرستان‌ها بروند و در آنجا ساک‌هایی را به خانواده‌ها تحویل دادند و تهدید کردند که مبادا مراسمی برگزار شود و صدایی بیرون بیاید.

ولی "مادران و خانواده‌های خاوران" در تهران، به این تهدیدها اهمیتی ندادند و هم در خاوران و هم در منازل شخصی، مراسم‌هایی با شکوه در اعتراض به این کشتار بزرگ، برگزار کردند و هر روز مراسمی در خانه‌ای برگزار می‌شد.

هم‌اکنون نیز پس از گذشت سی سال، خاوران هم چنان زنده است و نفس می‌کشد، هرچند بسیاری از مادران و خانواده‌ها از میان ما رفته یا کم‌جان شده یا به تبعید پرتاب شده‌اند.

ولی این پرسش اساسی مطرح است که چرا جمهوری اسلامی می‌تواند به سرکوب و جنایت‌هایش ادامه دهد؟

▪ آیا خانواده‌های زخم‌خورده دهه‌ی شصت در تهران و شهرستان‌ها، متحدانه

صدای اعتراض‌شان را بلند نکردند؟

▪ آیا ما جامعه‌ی روشن‌فکر و دادخواه، مرعوب سرکوب شدید حکومت شدیم و

سر در لاک خود فرو کردیم و به کشتار دهه‌ی شصت و به ویژه به کشتار سال ۶۷، بی

توجهی نشان دادیم و آن‌چنان که بایسته و شایسته است، فریاد دادخواهی خانواده‌های

فعال را بلند نکردیم و حتی زجه‌های‌شان را نشنیدیم؟

▪ آیا سازمان ملل و نهادهای حقوق بشری داخلی و بین‌المللی کم‌کاری نکردند یا در

حقیقت چشم و گوش‌شان را بستند، با اینکه خبر اعدام‌ها را دریافت کرده بودند؟

▪ آیا مردم عادی، فامیل و همسایه و همکار و هم دانشگاهی‌های نیز، آن جنایت‌ها را

نادیده گرفتند و رو برگرداندند؟

▪ آیا اگر کشتار دهه ی شصت را جدی‌تر می‌گرفتیم و متحدانه خط قرمز حکومت

را می‌شکستیم و هم صدا با خانواده‌ها حکومت را تحت فشار قرار می‌دادیم که

چرایی و چگونگی آن جنایت‌ها را روشن کند، حالا می‌توانست این چنین بی‌پروا به

جنایت‌هایش ادامه دهد؟

این‌ها پرسش‌هایی است که باید پاسخ آن‌ها را بیابیم که چرا در هم چنان بر همان پاشنه می‌چرخد و جمهوری اسلامی به راحتی می‌تواند آزادی خواهان و دگراندیشان را بازداشت کرده و اعدام و سر به نیست کند.

ولی مساله مهم این است که ما جامعه مدعی دادخواهی، فارغ از دسته بندی های عقیدتی و سیاسی، چقدر توانسته ایم متحدانه به کشف حقیقت جنایت های دهه ی شصت که مصداق بارز جنایت علیه بشریت است، یاری رسانیم؟

آیا ما واقعا صدای "جنبش دادخواهی مردم ایران" هستیم و تلاش می‌کنیم که این "صدا" ها را هر چه بیشتر قوی کنیم؟

ما مادران پارک لاله ایران، یک بار دیگر، در سی امین سالگرد این کشتار بزرگ و سازمان یافته، علیه جمهوری اسلامی اعلام جرم می‌کنیم و همراه و هم صدا با مادران و خانواده‌های خاوران و "بخشی از جنبش دادخواهی مردم ایران" و در کنار دیگر دادخواهان ایرانی در ایران و سراسر دنیا، خواسته‌های زیر که بازنمایی سه خواسته همیشگی ماست را فریاد می‌زنیم:

ما خواهان پیگیری مطالبات زیر هستیم:

o تشکیل کمیته‌هایی مستقل از حکومت با نظارت شورایی از خانواده‌های اعدام شدگان در دهه ی شصت، برای روشن شدن حقیقت موارد زیر هستیم: بی‌تردید برای محاکمه و مجازات آمران و عاملان تمامی جنایت‌های صورت گرفته در جمهوری اسلامی ایران، غیر از تشکیل دادگاه‌های عادلانه و علنی، ضرورت دارد که کمیته‌های حقیقت یاب برای تمامی چهل سال جنایت و شکنجه و

کشتار تشکیل شود و از هم‌اکنون باید برای آن به اشکال مختلف، برنامه‌ریزی و مستندسازی کنیم تا شرایط وجودی آن مهیا شود.

الف- برای روشن شدن حقیقت چگونگی و چرایی بازداشت، شکنجه، اعدام یا کشته و ناپدید شدن مخالفان سیاسی در دهه شصت و به ویژه تابستان ۶۷:

▪ به چه جرمی، زندانیانی که حکم زندان داشتند را در تابستان سال ۶۷، اعدام کردند؟

▪ روند محاکمات گروهی دوباره زندانیان سیاسی در تابستان ۶۷ چگونه بوده است؟
▪ چرا ملاقات‌ها برای چندین ماه قطع شد و زندانیان و خانواده‌ها را در بی‌خبری مطلق نگاه داشتند؟

▪ چرا تمام مراحل کشتار در زندان‌ها و حمل و دفن آن‌ها به صورت گروهی و مخفیانه صورت گرفت؟

▪ چرا و چگونه تصمیم گرفته شد که پس از نزدیک به پنج ماه بی‌خبری، ساک‌ها را به خانواده‌ها در مناطق مختلف تحویل دهند؟

ب- برای روشن شدن نحوه‌ی دقیق از تصمیم‌گیری تا اجرا و شناسایی تمامی مسئولان سهیم در بازداشت، شکنجه، اعدام، ترور و سرکوب مخالفان سیاسی جمهوری اسلامی و آزادی خواهان در دهه ۶۰ و به ویژه در تابستان ۶۷:

▪ آمران و عاملان این بازداشت‌ها، شکنجه‌ها، اعدام‌ها و ترورها چه کسانی بوده‌اند؟

▪ چگونه و با کمک چه سازمان‌ها و گروه‌هایی روند بازداشت، شکنجه و قتل‌های دولتی صورت گرفته است؟

- مستندات این جنایت ها کجاست و چگونه نگهداری می شود؟
- اعضای هیات مرگ در کشتار تابستان ۶۷ در تهران و شهرستان ها چه کسانی

بودند و چگونه منصوب شدند؟

ج- برای روشن شدن اسامی و مشخصات کشته و ناپدید شدگان دهه شصت و تابستان ۶۷ و شناسایی محل دفن آن ها به طور رسمی و با مستندات دقیق و امکان انجام تست دی ان ای:

- وصیت نامه‌ی اعدام و ناپدید شدگان کجاست؟
- اعدام و ناپدید شدگان در کجا و چگونه به خاک سپرده شده اند؟

د- برای روشن شدن چرایی و چگونگی محل دفن مخفیانه اعدام شدگان:

- چرا جنازه های اعدام شدگان را به خانواده‌ها تحویل ندادند؟
- چرا اسامی بسیاری از اعدام شدگان در سامانه اینترنتی بهشت زهرا یا دفاتر بایگانی فوت شدگان در تهران و شهرستان ها نیست؟
- چرا بسیاری از گورستان های اعدام شدگان در تهران و شهرستان تخریب شده

است؟

ه- برای محترم شمردن حقوق بازماندگان برای دادخواهی، برای نگهداری و نشانه گذاری و گل کاری بر گورهای عزیزان شان:

- چرا خانواده‌ها حق برگزاری مراسم آزادانه در گورستان های اعدام شدگان در تهران و شهرستان ها را ندارند؟
- چرا درب خاوران بسته شده است و ماموران جلوی حضور آزادانه خانواده‌ها را می‌گیرند؟

و- برای روشن شدن چرایی و چگونگی تخریب گورهای اعدام شدگان و شناسایی آمران و عاملان این تخریب ها:

▪ چرا چندین بار خاوران و دیگر گورستان

های بی نام و نشان اعدام شدگان در تهران از جمله گورستان های تبریز، قروه، مشهد، اهواز و ... را تخریب کرده اند؟

0 لغو فوری احکام ناعادلانه و آزادی همه زندانیان سیاسی و عقیدتی، بدون هیچ قید و شرطی،

0 آزادی تمامی زندانیان سیاسی و عقیدتی،

0 لغو مجازات اعدام،

0 توقف تخریب گورهای مخالفان سیاسی اعدام شده در دهه ۶۰، به ویژه تابستان ۶۷، در تهران و

شهرستان ها و روستاها و محترم شناختن نشانه گذاری مجدد خانواده ها،

0 حق آزادی بیان، اندیشه و نشر، بدون هیچ قید و شرطی، برای همگان،

0 حق تجمع، تظاهرات، اعتصاب و برگزاری گردهمایی برای همگان،

0 حق ایجاد تشکل های مستقل سیاسی، صنفی و اجتماعی، بدون هیچ قید و شرطی و برای

همگان،

0 محاکمه و مجازات عادلانه و علنی تمامی آمران و عاملان جنایت های صورت گرفته در

جمهوری اسلامی ایران.

ما نیز می دانیم که دادخواهان و خانواده های اعدام شدگان، در تمام این سال ها با انواع فشارها و بگیر

و ببندها و خشونت سازمان یافته نیروهای اطلاعاتی و امنیتی رو به رو بوده اند، تا جایی که حتی از

حضور بر گور عزیزان شان و برگزاری آزادانه مراسم در خانه‌ها منع شده اند. اما هیچ یک از این فشارها و آزارها نتوانسته است مانع حضور برخی از خانواده‌ها به صورت گروهی و فردی، بر گور عزیزان شان و برگزاری مراسم یادبود برای آن‌ها در تهران و برخی شهرستان‌ها شود. ما مادران پارک لاله ایران، همراه و هم پای خانواده‌های دادخواه، بر خواسته‌های خود برای حق دانست حقیقت و دادخواهی و به وجود آوردن شرایطی برای برقراری عدالت، هم چنان پافشاری می‌کنیم و تا تحقق این خواسته‌ها، از پای نخواهیم نشست.

این ذره ذره گرمی خاموش وار ما، یک روز بی گمان، سر می‌زند ز جایی و خورشید می‌شود. یاد و نام آن جان‌های شیفته‌ای که جز عاشقی راهی نمی‌شناختند، زنده و ماندگار باد.

مادران پارک لاله ایران

۱۰ شهریور ۱۳۹۷